

## حسین فریدون با تأمین وثیقه ۵۰میلیارد تومانی آزاد شد

صفحه ۲

سه‌شنبه ۲۷ تیر ۱۳۹۶ ■ ۲۲ شوال ۱۴۲۸ ■ ۱۸ جولای ۲۰۱۷ ■ سال نهم ■ شماره ۲۲۰۹ ■ ۱۶ صفحه ■ ۱۰۰۰ تومان



## دولت طرح خرید کالای ایرانی را اجرایی کند

صفحه ۲

VATAN-E-EMROOZ ■ Vol.09 ■ No.2209 ■ Tue, Jul. 18, 2017 ■ ISSN:2008-2886

۱۱۷۸ سال و ۲۲۲ روز گذشت

سرلشکر باقری: هم‌ردیف شمردن سپاه با گروه‌های تروریستی ریسک بزرگی برای آمریکا و پایگاه‌های است

# اولین هشدار به تحریم جدید

صفحه ۲



عکس: حسین نظروند/تسنیم

یادداشت یک

## واقعیت‌ها را به مردم بگویید

زهرا طباطبائی

برجام در سکوت ۲ ساله شد. نه جشنی برپا شد و نه سهمی از کیک وعده‌های آنچنانی که هر سال به سال بعد موکول می‌شود، میان ملت توزیع شد. مرز میان سسوالات و توقعات افکارعمومی و حامیان توافق با آمریکا تنها با پرده‌ای از توهمات صیانت می‌شود که با دقت و وسواس مکرر ترمیمش می‌کنند. همه چیز در حد ادعا و تخیل است. موهوماتی که با عبارت «اگر برجام نبود...» شروع می‌شود و هدفش ترساندن مردم از مواجهه با واقعیت منافع «تقریباً هیچ» توافق غیرحقوقی بی‌اعتبار شده با تیم باجگیر باراک اوباما است. باجگیری دنباله‌داری که همچون میراثی ملی از اوباما به ترامپ رسید و بر شاخ و برگ آن تحریم‌های نو همچون تزئینات درخت کریسمس استوار می‌شود؛ آب هم از آب تکان نمی‌خورد! وزارت امور خارجه با فشار ایمیلی و واکنش‌های فاقد اعتبار دیپلماتیک سخنگو، سعی می‌کند به ما بباوراند که «آمریکا منزوی نشده» اما سکوت اروپایی‌ها در کنار باجگیری نفتی و فتح بازار ایران با کالاهای تولید بیگانه و دشمن، حکایت از آن دارد که همه چیز تحت کنترل وزارت خزانه‌داری آمریکا است.

توهم یا واقعیت؟

انتظار این بود که در دومین سالگرد توافقی که با سروصدای بسیار در ابعاد ملی و فراملی به تصویب رسید، حرکت به سمت واقع‌گرایی در کشور بروز و ظهور یابد. مثلاً محمدجواد ظریف به جای حضور در «نیویورک» برای برگزاری اجلاس «توسعه پایدار» سازمان ملل، در کمیسیون نظارت بر برجام حاضر شود، از واقعیت‌ها بگوید و صدواوسیمیا نیز بخشی از مذاکرات این جلسات را به مردم ارائه کند تا فضا برای تصمیم‌سازی در خصوص منافع ملی آماده شود. همچنین کرسی‌های محاسبه‌گری پیرامون تجربه اعتماد به قول‌های آشکار و پنهان دشمن در اندیشه‌کدها و مساجد و رسانه‌ها برگزار شود تا فرصت تاریخی یادشده به رشد فکری و تحلیلی افکار مختلف جامعه منجر شود.

فارغ از اینکه برجام منقضی شده یا اندکی تا بی‌اعتباری کامل آن باقی مانده، موضوع آماده‌سازی مردم برای مواجهه با اهمیت «درون‌گرایی» در بعد ساختارسازی اقتصادی و پرهمیز از تحلیل محوری در مورد توسعه بدون تلاش و کوشش کشورهای پیشرفته، بسیار مهم است.

این واقعیتی غیرقابل انکار است که بخشی از افکار جامعه ایرانی باور کردند که برای ثروتمند شدن و حل همه مشکلات اقتصادی جامعه یک رای به حس روحانی کافی است. فردی که مدعی بود با یک توافق با «کدخدا» می‌تواند «چنان رونقی در جامعه ایجاد کند که اصلاً کسی نیاز به پاره نداشتن باشد!» تصور بخشی از جامعه این بود که یک «امضا» میان خوبشختی همگانی و برابری «دلار» آمریکا و «تومان» ایران باقی‌مانده که آن هم احتمالاً با شرط‌گذاری‌های بیپه‌وده و غیرلازم به تعویق افتاده است!

البته تبلیغات رسانه‌های غربی‌ها و غربگرایان داخلی نیز در جا افتادن این گمانه‌های تخیلی بی‌تأثیر نبود. رسانه‌هایی که دست کم در بعد داخلی انتظار می‌رفت سطح مطالبه‌سازی آنها برای مردم از «برجام آرزوها» کنترل شود اما به جای دعوت جامعه به واقعیت‌گرایی مرتب از سوی مراجع ذی‌صلاح بخشنامه صادر می‌شد که از ترجمه و انتشار تحلیل‌های خارجی منتقد روند مذاکرات خودداری شود! کسی علیه توافق و متون و اسناد نگارش شده مطلبی ننویسد و از جشن ملی توافق هسته‌ای استقبال شود!

امتیازدهی یکجانبه

۲ سال و اندی پیش، دقیقاً زمانی که دولت روحانی، مذاکره برای دستیابی به توافق هسته‌ای را آغاز کرد، «ناصر هادیان» از اعضای باند نیویورکی‌ها در وزارت امور خارجه با صدافتی مثال‌زدنی نوشت: «تاکتو موضوع هسته‌ای، عمدتاً تمرکز بر معامله (بدیهستان) بوده است اما سیاست «بنتکار یکجانبه» خروج از این چارچوب را پیشنهاد و یک اقدام اعتمادساز یکطرفه را توصیه می‌کند. در واقع در موضوع هسته‌ای، دستگاه دیپلماسی ایران باید دست به یک «بنتکار یکجانبه» اعتمادساز بزند. بدون آنکه بخواند مایه‌ها و امتیاز در قبال آن دریافت کند.

ادامه در صفحه ۱۲

## شهید همیشه «شهید» است!

حسین قدیانی

غصه ریزش‌ها تلخ است اما قصه رویش‌ها شیرین! و این قصه، شیرین‌تر هم می‌شود، اگر به فصل شهادت برسد که هنوز هم «در باغ شهادت، باز باز است» یادش به خیر روزگار خوش ابتدایی! حتی به «حسین فهمیده» ۱۲ ساله هم به چشم برادر بزرگ‌تر نگاه می‌کردیم! رهبر ما این طفل ۱۳ ساله بود با «پنهام محمدی» چه فرقی می‌کند؟! هر دو شهید ما بودند و هر دو افتخار ما بودند و هر دو بزرگ ما بودند، حتی به لحاظ سن و سال! الان را نگاه نکن که چند سال مانده تا ۴۰ سالگی، اغلب شهدای مدافع حرم را در سن و سالی کوچک‌تر از خود می‌بینم! حتی سال ۸۸ شهدای چون «حسین غلام‌کبیری» و «مهرحسام ذوالعلی» که فی‌الواقع شهدای دفاع از ۴۰ میلیون رای مردم بودند و شهدای راه پاسداری از انتخابات بودند و شهدای دفاع از حریم جمهوریت بودند و شهدای مبارزه با فتنه علیه صندوق آرا بودند و شهدای مقابله با توحش متوهمینی بودند که وسط رای‌گیری، چوچان مجانبین بی‌خرد، اعلام پیروزی کردند، سالیانی از ما کوچک‌تر بودند! آری!

گذشت روزگاری که به هر شهیدی برمی‌خوردیم، او را هم‌سن پدر خود می‌دیدیم یا حداقل در سن و سالی بیشتر از خود! همین شهدای مدافع حرم! و بعضاً ۵ سال و بلکه هم بیشتر، کمتر از راقم این سطور در این دنیا زندگی کردند! البته که برای امثال من، هم جای حسرت است و هم جای حسادت اما برای انقلاب اسلامی و رهبر آن، گمان نکنم چیزی شیرین‌تر از این قصه خوش رویش‌ها باشد! که ما شهیدی داشته باشیم و افتخاری داشته باشیم که نه روزگار انقلاب را و نه روزگار امام را و نه روزگار جنگ را درک کرد، لیکن به کوری چشم بدخواهان، هم انقلاب را و هم امام را و هم جنگ را درک کرد! فرمانده کلا قول اگر ولی‌فقیه

باشد و همه توجه او اگر به خدا باشد، هر نسلی و هر فصلی، مصطفای شهید خود را پیدا خواهد کرد! دیروز چمران و امروز احمدی‌روشن و فردا هم شهید دیگری! برداشتند برای خود شعار درست کردند که «بسیجی واقعی، همت بود و باکری!» اما یادشان رفت که شهدایی چون «غلام‌کبیری» و «ذوالعلی» واقعی‌ترین شاگردان مکتب شهدای دوران دفاع مقدس بودند که در برابر تیر فتنه علیه آرای مردم، سینه سپر کردند تا «۲۲ خرداد ۸۸» تحت امامت حکیمانه رهبر انقلاب، هرگز آخرین انتخابات این نظام مقدس و البته مظلوم نباشد! قدر مسلم، من و امثال من که در آستانه ۴۰ سالگی به سر می‌بریم، اگر دهه ۶۰ متفخر به شهدایی بودیم بزرگ‌تر از سن خود، اینک سالیانی است متفخر به

ادامه در صفحه ۱۲

## عکسبرداری ممنوع

صادق فرامرزی

مرگ غیرمنتظره «مریم میرزاخانی» نخبه ریاضیات ایران، آنقدر شوکار آور بود که در زمانی کمتر از چندساعت تبدیل به یکی از مهم‌ترین سوزهای بحث و خیر فضای رسانه‌های رسمی و عمومی کشور شود. مرگ یک دانشمند آنقدر غم‌انگیز است که در هر کجای این گیتی هم که باشد می‌شود برای آن افسوس خورد و حال اگر این دانشمند ریشه‌اش در خاک همان وطن باشد که آدمی زندگی می‌کند و مطلع باشد از هجرتش به خاک دیگر برای ادامه مطالعه، تلخی این خبر چند برابر بیشتر می‌شود. نامش را حسن شنبکه‌های اجتماعی بگذاریم یا اقتل آن، فرق چندانی نمی‌کند، چرا که سوز مرگ این نخبه جهانی باعث شد چهره‌های مختلف در تسلیت گفتن، موضع گرفتن و حتی رونمایی کردن از عکس یادگاری با او از یکدیگر سبقت بگیرند و به طرقی آن را وسیله‌ای برای ارتباط‌گیری با بدنه جامعه‌بکنند.

شاید اگر تقدیر مرگ «مریم میرزاخانی» به برهه دیگری از ظرف زمان محول می‌شد بهانه برای نوشتن این چند خط به ذهن‌مان نمی‌رسید اما مرگ او درست در روزهایی مقرر شد که در پس و پیش آن خاطره‌ها و خبرهای زیادی ذهن تاریخی یک ایرانی را اشغال می‌کند، درست در همان روزها که خبر دستگیری دکتر سیدمحسن دهنوی، متخصص برجسته کشورمان در حوزه سرطان در فرودگاه بوستون مخابره می‌شد. شنیدن خبر درگذشت یک دانشمند ایرانی دیگر آن هم به‌علت سرطان می‌توانست روان هر شنونده‌ای را از وجود این نسبت‌ها مکدر کند اما آنچه این قلم را وادار به نوشتن کرد نسبت زمانی دیگری بود میان این مرگ با یک سال‌مرگ دیگر، «مریم میرزاخانی» درست در همان لحظاتی دارفانی را وداع گفت که به تقویم ۲ سال قبل ترش تبدیل به یک جشن دولتی برای به خاک سپردن نبوغ هزاران دانشمند ایرانی شده بود و هر چند خبر از فال نیکی برای این‌ها زمانی وجود ندارد اما می‌تواند تلنگر خوبی نسبت به رفتار متناقض و تبلیغاتی با دانشمندان ایرانی باشد.

آنها که برای مرگ میرزاخانی پیام تسلیت صادر می‌کنند همان‌هایی هستند که دستاوردهای هزاران میرزاخانی را زیر بتن دفن کرده و شادی کردند. جشن گرفتن از بتن‌ریزی به قلبی راکتوری که حاصل هزاران و حتی میلیون‌ها ساعت اندیشه نخبگان این خاک بود از یکسو و زست حزن گرفتن برای نخبه‌ای که سال‌ها پیش

ادامه در صفحه ۵

یادداشت میهمان

## چراغ قرمز به تحریم CIDA

سید یاسر جبرائیلی

در هفته‌های اخیر برخی تحلیل‌ها و اظهارنظرها، تعلق کنگره آمریکا در تصویب تحریم CIDA موسوم به SY۲۲ علیه ایران و روسیه را به برخی اختلاف نظرها میان ۲ حزب دموکرات و جمهوری‌خواه نسبت داده‌اند. این نگاه تقلیل‌گرایانه اما از این واقعیت غفلت می‌کند که وقتی در مجلس سنای متشکل از ۵۲ جمهوری‌خواه، ۴۶ دموکرات و ۲ سناتور مستقل، طرح CIDA با ۹۸ رای موافق برابر ۲ رای مخالف به تصویب رسیده است، چگونه ممکن است علت تعلق مجلس نمایندگان (دیگر بخش کنگره)، در تصویب این تحریم، اختلاف حزبی باشد؟! لذا برای ریشه‌یابی این تعلق، دلیل معتبرتری باید جست.

واقعیت این است که آمریکایی‌ها نظر به نتیجه‌ای که از برجام گرفته‌اند، در پی تکرار آن در سایر حوزه‌های قدرت ایران هستند و این بار، قدرت دفاعی ایران را نشانه گرفته‌اند. مقامات دولت اوباما از جمله جان کری، وزیر سابق خارجه آمریکا بارها تصریح کردند از تحریم‌ها نتیجه گرفته‌اند و واشنگتن باید فشار بر ایران در سایر حوزه‌ها را ادامه دهد. تحریم CIDA در واقع آغازگر پروژه‌ای است که طی آن آمریکا قصد جایگزین کردن قدرت دفاعی و تسلیحاتی ایران با برنامه هسته‌ای و آغاز فصل جدیدی از تحریم‌ها با هدف رسیدن به برجام نظامی را دارد. اما اینکه چرا کنگره آمریکا تاکنون در تصویب نهایی این قانون و ارسال آن روی میز دونالد ترامپ تعلق کرده و برنامه روشنی برای بررسی آن در مجلس نمایندگان نیز ارائه نمی‌شود، بیشتر به این مساله بازمی‌گردد که با توجه به اهمیت و گستره این تحریم، آمریکا در حال سنجش واکنش ایران است.

تا روز گذشته، آمریکایی‌ها ۲ نوع واکنش از داخل ایران به این تحریم دریافت کرده بودند که یکی نوعی اعلام همراهی با این پروژه جدید تحریم و دیگری یک اقدام نمایشی و فاقد حداقلی از قدرت بازدارندگی بود. واکنش نخست از جانب کسبانی بود که هم‌زمان با قرار گرفتن تحریم CIDA در دستور کار کنگره آمریکا و بویژه پس از تصویب آن در سنا، حملات تللی علیه سپه‌ا آغاز کردند که در رسانه‌های بین‌المللی به همراهی با ترامپ علیه سپاه تفسیر شد. واکنش دیگر، آماده‌سازی یک طرح در مجلس شورای اسلامی برای پاسخ به تحریم‌های آمریکا بود که نویسندگان طرح، تقریباً عین همان متن تحریم

آمریکا علیه ایران را ترجمه کرده و با جایگزین کردن کلمه آمریکا با ایران، می‌خواهند آن را به تصویب برسانند. این طرح ۲ ایراد اساسی دارد: نخست اینکه به‌رغم تصریح خود آمریکایی‌ها از جمله ریچارد فیو (عضو سابق تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای آمریکا) بر نقض برجام توسط تحریم CIDA، مجلس شورای اسلامی به جای پیگیری بند ۹۴ مصوبه مهر ۹۴ مقرر کرده است در صورت وضع تحریم، همکاری‌های داوطلبانه خود در قالب برجام را متوقف کند، با روی آوردن به یک طرح جدید، عملاً پیام می‌دهد که سر برجام سلامت خواهد بود و آمریکا نگران توقف اجرای برجام از سوی ایران در صورت تصویب تحریم CIDA نباشد. ایراد مهم دیگر طرح مجلس این است که حتی اگر در فضایی بدون وجود برجام، بنا بر تدوین طرحی برای پاسخ‌دهی به تحریم نبود، آن طرح باید در حوزه مزیت‌های جمهوری اسلامی تعریف می‌شد. آمریکا بر شبکه مالی بین‌المللی تسلط دارد و از این مزیت خود برای اعمال فشار بر ایران استفاده می‌کند. آیا مضحک نیست اقدام متقابل ما علیه آمریکا از همین جنس باشد؟! خلاصه اینکه واکنش‌هایی که آمریکایی‌ها تاکنون از سوی دولت و مجلس ما در قبال تحریم CIDA دریافت کرده‌اند، به هیچ‌وجه آنها را از اعمال این تحریم‌ها منصرف نخواهد کرد.

اظهارات روز گذشته سرلشکر باقری، رئیس ستاد کل نیروهای مسلح اما معادلات را به صورت جدی تغییر داده است. سرلشکر باقری هشدار داد: «همردفک شمردن سپاه با گروه‌های تروریستی و جاری کردن تحریم‌های مشابه آنان برای سپاه ریسک بزرگی برای آمریکا و پایگاه‌ها و نیروهای مستقر آنها در منطقه است». این اظهارات از این رو بسیار حائز اهمیت است که محاسبات گذشته آمریکایی‌ها درباره واکنش ایران به تحریم را کاملاً تغییر داده و دقیق می‌کند.

ادامه در صفحه ۱۲